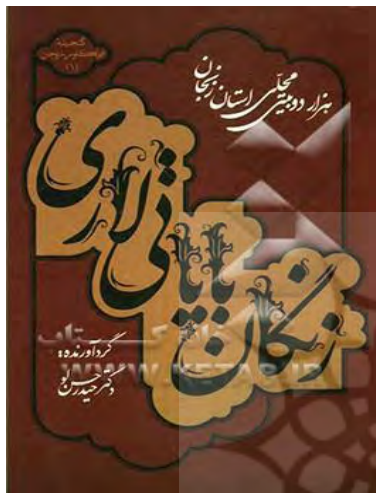


## معرفی کتاب «زنگان بایاتی لاری»

فاطمه نبی‌لو<sup>۱</sup>



نویسنده: حیدر حسن‌لو

شمارگان: ۱۰۰۰

صفحات: ۲۰۸

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

ناشر: دانش زنجان

کتاب «زنگان بایاتی لاری» از جمله گنجینه‌های فولکلور استان زنجان است که گردآورنده آن دکتر حیدر حسن‌لو است. حیدر حسن‌لو در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی در استان زنجان به دنیا آمد.

وی مقاطع کارشناسی ارشد و دکترای رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران سپری کرد و با راهنمایی دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی پایان‌نامه دکتری را با نمره ۲۰ در اسفند ۱۳۸۱ با موفقیت به پایان رسانید. وی مؤلف کتاب‌های «برگ‌های زرین ادب» و «زنگان بایاتی لاری» و چند مقاله علمی - پژوهشی، علمی - ترویجی و فرهنگی است و اکنون در دانشگاه‌های زنجان به تدریس اشتغال دارد. از جمله کتاب‌های آماده انتشار ایشان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مجالس جلال‌الدین عتیقی. ۲. دیوان جلال‌الدین عتیقی. ۳. تشابه مضمون در اشعار عربی و فارسی. ۴. تصحیح رساله دخانیه حکیم هیدجی. ۵. تصحیح کشکول حکیم هیدجی. ۶. ترکی مثل‌لر و سایر.

## ۱۵۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

کتاب «زنگان بایاتی لاری» دربرگیرنده هزار دوبیتی محلی استان زنجان است. چاپ نخست آن را انتشارات دانش زنجان در خرداد ۱۳۸۹ با شمارگان هزار جلد در ۲۰۴ صفحه روانه بازار نشر کرد. در کمتر از شش ماه نسخه‌های آن به فروش رفت و چاپ دوم آن نیز در آبان ۱۳۸۹ صورت گرفت.

کتاب شامل چهار قسمت است که در قسمت اول پیشگفتاری با عنوان «سخن آغازین» در پنج صفحه آمده است که در آن انگیزه گردآورنده، رسم الخط بایاتی‌ها، مشترک بودن برخی از آنها با بایاتی‌های استان‌های همجوار، نحوه گزینش و جامعه آماری آنها بیان شده و نام روستاها و شهرستان‌های مختلف استان زنجان که بایاتی‌های رایج در آنها در کتاب بررسی گردیده، آمده است. سپس گردآورنده براساس سنت حسنه، به نحوی بسیار شایسته از همه کسانی که در تدوین بایاتی‌ها و الفبایی کردن و تنظیم آنها وی را یاری یا راهنمایی کرده‌اند، سپاسگزاری کرده است.

قسمت دوم کتاب، مقدمه‌ای است در ۲۲ صفحه درباره تعریف، وجه تسمیه و تاریخچه بایاتی، قول نویسندگان بزرگ در مورد ترانه، مضامین مختلف بایاتی‌ها با ذکر چندین نمونه از هر مضمون و ترجمه آنها به فارسی. همچنین، نظر بزرگان و شاعران درباره وزن و ساختمان ترانه‌ها در همین قسمت آمده است.

گردآورنده در مورد بایاتی‌ها چنین نوشته است: «دوبیتی‌های بومی و محلی در ادبیات شفاهی به «بایاتی»‌ها معروف‌اند. دوبیتی‌هایی که شاعران آنها گمنام و ناشناخته‌اند و زبان به زبان، سینه‌به‌سینه و نسل به نسل از طریق ادبیات شفاهی تا به امروز نقل شده و باقی مانده‌اند.» (ص ۱۷)

«عنوان بایاتی به احتمال زیاد از نام «بیات» یا «بایات» مأخوذ است. «بایات‌ها» از جمله قبایل متعددی بودند که در دوران کوچ و اتراق به آذربایجان آمده و در آنجا سکنی گزیده‌اند و بعدها در ترکیب مردم این دیار مستهلک گشته‌اند.»<sup>۱</sup>

۱. م. فرزانه (۱۳۴۴). *بایاتیلار*، بی‌نا: کتابفروشی شمس.

## معرفی کتاب «زنگان بایاتی لاری» ❖ ۱۵۷

حدس انتساب بایاتی به «بایات‌ها» وقتی قریب به یقین می‌شود که در موسیقی فولکلوریک آذربایجان نیز به نواهایی از قبیل افشاری و گرایلی برمی‌خوریم که عنوان آنها نیز از نام قبایل و اقوام گرفته شده است.

«از منابع و قرائن برمی‌آید که بایات‌ها از موسیقی و ادبیات غنی سرشاری برخوردار بودند که پس از کوچ و اسکان در منطقه آذربایجان، در مقیاس وسیعی گسترش یافته و در موسیقی و ادبیات عامیانه نواحی همجوار تأثیر گذاشته‌اند. نشانه این تأثیر را به صورت مترادف کلمه «بایات» با برخی از مایه‌های آواز ایرانی (بیات) و نیز به صورت دستگاه آوازی مستقلی به نام «بیاتی» در ترکیه مشاهده می‌کنیم.»

سرزمین آذربایجان به اقتضای موقعیت جغرافیایی و مواهب طبیعی سرشار خود، قرن‌ها مورد هجوم مهاجمان و عرصه تاخت و تاز یغماگران بوده است، این یورش‌ها و تاراج‌ها، زندگی و آرامش مردم بی‌پناه را درهم ریخته و چه بسا آنان را به ترک یار و دیار خویش ناگزیر ساخته و تعداد کثیری از آنان را مانند بردگان زخرید به نقاط دوردست و غربت رانده است. دوری از وطن و احساس غربت و بیان این ناگواری‌ها و نابسامانی‌ها، مضمون و مایه رشته‌ای از بایاتی‌ها گشته است. «بایاتی»‌های آذربایجان الفاظ بی‌تکلف و روانی هستند که عشق‌ها و آمال و آرزوهای مردم آذربایجان را در محتوای خود جای داده‌اند. این بایاتی‌ها در واقع اساس کلام موسیقی فولکلور آذربایجان را که سرچشمه افکار توده‌های گذشته این ملت است، تشکیل می‌دهند.

تنوع و رنگانگی مضمون از جنبه‌های برجسته و مشخص بایاتی‌های آذربایجان است، ضمن آنکه عشق جایگاهی ویژه در بایاتی‌ها دارد؛ عشقی که در بایاتی‌ها جان می‌گیرد و بارور می‌شود. اعتقادات، آداب و رسوم، فضایل و خلق و خوی اقوام در تحریر بایاتی‌ها همراه با موسیقی‌هایی در مایه غم‌انگیز، شالوده اساسی بایاتی‌های آذربایجان است.

بایاتی‌هایی با مضمون شاد، در مراسم عروسی و مجالس شادی خوانده می‌شوند که به این نوع آوازاها، «دیل جالمانی» (dil jâlmâni) می‌گویند.

«بایاتی‌ها از نظر انسجام شکل، وسعت مضمون، ترنم موسیقی و تموج احساسات در ردیف جذاب‌ترین و شورانگیزترین آثار بدیع فولکلوریک هستند. این نغمات نغز و

## ۱۵۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

دلکش که از زندگی و عواطف و راز و نیازهای مردم ساده و پاکدل مایه می‌گیرند و در قالب الفاظی روان و بی‌تکلف جای می‌گیرند، لطف و خلوص و صراحت ویژه‌ای دارند.» (ص ۱۸)

نمونه‌های اولیه بایاتی‌ها بی‌تردید در آغاز امر به‌وسیله شعرا و نوازندگانی که در ادبیات و موسیقی عامیانه به نام «عاشیق» یا «آشیق» شهرت دارند، آموزش داده شده است. در اسناد برجای مانده از قرن‌های ۱۰ الی ۱۳ به شعرا و نغمه‌پردازانی برمی‌خوریم که نمونه‌های دست‌اول بایاتی‌های آنان در مورد جنگ‌ها دیده می‌شود. سرایندگان مذکور، ضمن سرودن نغمات و نواهای مختلف که معمولاً به همراه ساز اجرا می‌شده است، بایاتی‌هایی نیز گفته‌اند که در میان مردم دهان‌به‌دهان گشته و رواج عامه یافته است.

بایاتی‌هایی که اکنون به مقیاس وسیع در میان مردم رواج دارند، خواه احتمال شناختن سراینده و مصنف آنها در میان باشد، یا نه، به عامه تعلق دارند؛ زیرا خلق در طول نسل‌ها آنها را سینه‌به‌سینه بازگو کرده، آنچه را که به زبان ذوق و سلیقه خود بیگانه دیده، به یک‌سو نهاده و به اقتضای احساس و خواسته‌های عاطفی خود در آن دگرگونی‌هایی داده و به‌این ترتیب به تملک گنجینه فولکلوریک درآمده است.

بایاتی‌ها از نظر قالب شعری از انواع دیگر ادبیات منظومه شفاهی، متمایز می‌گردند. وزن بایاتی‌ها مانند انواع اصیل دیگر ادبیات منظوم شفاهی آذربایجان بر اساس وزن هجایی (سیلابی) استوار است.

«بایاتی‌ها از چهار مصراع ترکیب می‌شوند که در آنها مانند رباعی مصراع‌های ۱ و ۲ و ۴ هم قافیه‌اند و مصراع سوم آزاد است. از نظر افاده معنی و منظور، مصراع‌های اول و دوم به‌منزله درآمد محسوب می‌شوند و منظور اصلی در مصراع‌های سوم و چهارم مطرح می‌شود.» (ص ۲۰)

در اکثر بایاتی‌ها دو مصراع اول درآمد و برداشتی است که به‌منظور بیان اندیشه و احساس مندرج در دو مصراع آخر طرح شده است. بنابراین، وظیفه مصراع اول ایجاد زمینه برای بیان دو مصراع بعدی است. مصراع‌های اول و دوم معمولاً با وصف طبیعت یا وصف حال و به‌طور کلی با توصیفی مشهور و قابل‌لمس آغاز می‌شود و زمینه را برای

## معرفی کتاب «زنگان بایاتی لاری» ❖ ۱۵۹

طرح یک واقعیت، بدان‌سان که برای گوینده مطرح است، فراهم می‌سازد. این خصوصیات یکی از جنبه‌های متمایز نوع بایاتی است و موجب می‌شود که دو مصراع اول چون فی‌البداهه و به‌قصد ترادف سروده می‌شوند، در دو یا چند بایاتی هم‌شکل و متقارن باشند؛ ولی مصراع‌های سوم و چهارم مضامین و معانی متغیر و مستقل از هم پیدا کنند.

بایاتی‌ها از نظر وزن همیشه هفت‌هجایی هستند، ولی از لحاظ وجود تقطیع در مصراع‌ها یکسان نیستند. برخی از بایاتی‌ها بدون تقطیع هستند، بعضی ۳+۴ و برخی به شکل ۳+۴ تقطیع می‌شوند، در برخی بایاتی‌ها ترتیب تقطیع در مصراع‌ها نیز به هم می‌خورد و پس‌وپیش می‌شود؛ ولی این تغییر محل تقطیع، هیچ‌گونه سگته‌ای بر روانی و سلاست آن وارد نمی‌سازد.

«از جنبه‌های بدیعی و لفظی بایاتی‌ها، روانی و انسجام خاص آنهاست. قالب کوتاه و منسجم این نغمه‌های دل‌انگیز، از هر نوع تصنع و تکلف عبارت‌پردازی برکنار بوده است. در عین سادگی، بدایع لفظی را از تعبیر، تشبیه، کنایه، استعاره، مجاز در بافت خود نقش می‌زنند.» (ص ۲۱)

همچنین در کتاب، نمونه‌هایی از بایاتی‌ها با مضامین وصف طبیعت، عشق و عاطفه، پند و اندرز، ایمان و اعتقاد، جدایی و انتظار، عزا و سوگواری، مثل و... ذکر و مضمونشان نیز شرح داده شده و جنبه‌های بلاغی (بیان و بدیع) آنها از قبیل تشبیه، مجاز، استعاره، جناس و... آورده شده است.

شش صفحه از مقدمه اختصاص به شرح تشابه مضامین برخی از بایاتی‌ها با مضامین بعضی از ابیات فارسی و عربی دارد که بسیار زیباست و نشانگر اطلاعات پربار گردآورنده است. برای مثال، در فرازی از این بخش ابتدا دو بایاتی درباره «زخم‌زبان و التیام‌ناپذیر بودن آن»، با ترجمه فارسی درج شده، سپس سه بیت عربی، دو ضرب‌المثل عربی، حدیثی از امام علی (ع) و سرانجام یازده بیت فارسی آمده که با آن دو بایاتی مضمونی مشترک دارند:

اوخ دئیدی یارالاندیم

ox dıdı y ı l ım

عزیزیم یارالاندیم

azizim y ı r l ım

۱۶۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

دیلیندن یارالاندیم  
delindan y r l ndn

خنجر ووردن کسمه‌دی  
xanjar vurdun kasmadi

«عزیزم زخمی شدم. تیر به من خورد و زخمی شدم. خنجر بر من زدی نبرید. از زبانت زخمی شدم.»

یاندیر ار دیل یاراسی  
y ndi r dil y rsi

عزیزیم دیل یاراسی  
azizim dil y r is

ساغالماز دیل یاراسی  
s q lm zdil y r is

خنجر دئیسسه ساغالار  
xanjar djsa s q l r

«عزیزم [امان از] زخم‌زبان. زخم‌زبان می‌سوزاند. خنجر اگر [بر تن] بخورد، بهبود می‌یابد. زخم‌زبان بهبود نمی‌یابد.»

همین دو بایاتی با ابیات و امثال عربی و ابیات فارسی زیر مضمون مشترک دارند:

جراحات السنان لها التیام و لایلتام ما جرح اللسان  
و جرح السیف تدمله فیبری و ببقی الدهر ما جرح اللسان  
(البیان و التبین، ج ۱، ص ۱۲۶)

ضرب اللسان اشدّ من طعن السنان. (امام علی (ع))

\*\*\*

آن چه زخم‌زبان کند با من زخم شمشیر جان‌ستان نکند  
ز زخم سنان بیش زخم‌زبان که آن تن کند خسته و این روان  
(اسدی طوسی)

هر که به تیر سخت خسته شد خستگی‌اش ناخوش و بی‌حیلت است  
(ناصر خسرو)

\*\*\*

هست تیغ زبان ز تیغ بتر کاین خورد بر تن آن خورد به جگر

## معرفی کتاب «زنگان بایاتی لاری» ❖ ۱۶۱

در قسمت سوم، بخشی از ترجمه فارسی کتاب «بایاتی، اسطوره باخیمیندان» تألیف میرسیدعلی سلامت آمده است. گردآورنده با این توضیح که می‌خواسته «میدان تحقیق درباره بایاتی‌ها گسترده شود و نیز خوانندگان کتاب با کتابی دیگر در زمینه بایاتی آشنا شوند»، به این کار اقدام کرده است.

### مضامین بایاتی‌ها

- عشق و عاطفه

زولفون تۆکمه شال اوسته	خال ویرمیشان خال اوسته
zolfon tɔkma l osta	x l vermi ɪk l osta
شربت تۆكدون بال اوسته	سوز وئردین اورهک آلدین
ɪbat toɫdun b l osta	soz vɛrdin urak lɪdin

«خال روی خال گذاشته‌ای. (زیبایی‌ات مضاعف شده است). زلفت را بر روی شالت نریز [تا دیوانه‌ام نکنی]. حرفی زدی و دل مرا به چنگ آوردی. (شیفته‌ام کردی). بر روی عسل شربت ریختی. (شیرینی‌ات مضاعف شده است).»  
- مثلی پرمحتوا

روزو سالا، قازانا	کیشی گوره ک قازانا
ruzo s l q z n	ki i gorak q z n
درین قویو قازانا	درینی قیسمت اولار
darin qoyo q z n	darini qismat olâr

«مرد باید روزی حلال کسب کند، روزی را (گوشت یا هر چیز دیگر را که از دسترنج خویش فراهم آورده برای پخته شدن) در دیگ اندازد. هرکس چاه عمیقی بکند، خودش در آن چاه عمیق می‌افتد.»  
- حسرت و اندوه و بیان بی‌وفایی

خالیندان کام آلینجا	خال گۆرمدمیم خالینجا
x lindʌn k m linjʌ	x l gormadim x linjʌ
دوشمزمیدیم دالینجا	بیلسمئیدیم وفان بودو
du mʌzidim d linjʌ	bilsʌdim vaf n budu

«خالی به زیبایی خال تو ندیدم. تا از خال تو کام برگیرم، اگر می دانستم وفایت این گونه است، دنبالت راه نمی افتادم. (به تو دل نمی بستم).»  
- فریاد از حمله و هجوم طوایف تاتار و مغول به آذربایجان

قول ائدر ساتار منی	آپاردی تاتار منی
gol eʃdar s t rmani	p rdi t tr mani
آختاریب تاپار منی	یاریم وفاسی اولسا
xt r r t pr mani	y rim vaf si olsa

«مرا تاتار اسیر می کند و به عنوان برده می فروشد. اما اگر یارم وفادار باشد، جستجو می کند و پیدا می کند.»  
- اندوه غربت و دوری از وطن

دردیمه درد باغلارام	عزیزیم هی آغلارام
dardima dard b ql m	azizim hey ql m
وطن دییب آغلارام	غوربت یئر جنت اولسا
vatan diyib ql m	qorbat yeʀr janat olsa

«عزیزم مدام گریه می کنم. درد روی درد انباشته می کنم. غربت اگر هم بهشت باشد، به یاد وطن می گریم.»  
- پند و اندرز

ائل سوور مرد آتانی	نامردی، مردی تانی
eʌl sovar mard t ʌni	n mardi, mardi tʌni



معرفی کتاب «زنگان بایاتی لاری» ❖ ۱۶۳

اولدورر درد آتانی      او غول بی شو عور چیخسا  
oldurar dard t ni      oqul bishor ixsa

«نامرد و مرد را از هم تشخیص بده. اهالی قبیله (مردم) پدری را که مرد و شجاع باشد، دوست دارند. «اگر پسر بی شعور باشد، درد پدر را می کشد.»  
- مضمون برخی از اشعار شاعرانی همچون سعدی، انوری و... در بایاتی ها آمده است:

سعدی چنین سروده است:

ای زبردست زبردست آزار      گرم تا کی بماند این بازار؟  
بایاتی زیر با بیت فوق مضمون مشترک دارد:

هرکیم ده اولسا آزار      آخری بیرگون آزار  
harkimda olsa z r      xiri bir gon z r  
هرکس دوشونسه بیلر      ایستی قالماز بو بازار  
harkas do onsa bilar      isti qalmaz bu b z r

«هرکس مردم آزار باشد، عاقبت روزی راهش را گم می کند. هرکس [این موضوع را] بفهمد، می داند که بازار آزارش گرم نمی ماند. (ادامه نمی یابد)»  
انوری قطعه زیر را سروده است:

هر بلایی کز آسمان آید      گرچه بر دیگری قضا باشد  
بر زمین نارسیده، می گوید:      خانه انوری کجا باشد؟

عبدالله هاتفی نیز چنین سروده است:

گر آید فی المثل از آسمان سنگ      خورد بر پای مرد عاجز لنگ  
بیت مشهور زیر و مثل معروف ذیل آن نیز در همین مضمون هستند:  
گر در همه شهر یک بیشتر است      در پای کسی رود که درویش تر است  
«هر جا سنگ است، مال پای لنگ است.»

۱۶۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

بایاتی زیر حاوی مضمون ابیات فوق است:

درد گلهر منی تاپار	عزیزیم منی تاپار
dard galar m.ni t pr	azizim mani t pr
آختارار منی تاپار	گویدن هر بلا گلسه
xt r r m.ni t pr	goydan har bal glsa

«عزیزم مرا پیدا می‌کند. درد [به سراغم] می‌آید و پیدایم می‌کند. از آسمان هر بلایی [فرو] بیاید. جستجو می‌کند و پیدایم می‌کند.»

بخش چهارم کتاب که در واقع بدنه و متن اصلی آن نیز هست، «بایاتی»ها نام دارد. در این قسمت هزار دوبیتی محلی استان زنجان که به «بایاتی‌لار» مشهورند، با ذکر شماره و با لحاظ کردن آخرین حرف قافیه یا ردیف دومین مصرع آنها الفبایی شده‌اند. حد فاصل هر دوبیتی یا بایاتی علاوه بر شماره کنار آن، سه ستاره است. در پاورقی‌ها مطالبی در مورد اختلاف روایات، ترجمه فارسی بعضی از کلمات ترکی، مضامین مشترک فارسی و عربی، نام گوینده برخی از بایاتی‌های جدید، کلمات معیار برخی از کلمات عامیانه و... آمده است.

در پایان کتاب نیز فهرست منابع و مآخذی که گردآورنده در تحریر مقدمه از آنها بهره گرفته، آمده است.

بایاتی‌ها از لحاظ محتوی و مضمون از یک سو مظهر و آینه زلال عشق و آرزو و امید و رنج و شادی و از سوی دیگر کتاب ناگشوده معتقدات و آداب و رسوم و خصایل و خلق و خوی یک قوم است. موسیقی غم‌انگیز و سوزناکی که در میان کلمات ساده این دوبیتی‌ها موج می‌زند، حسب حال و ترنمات قلب و احساس انسان شوربخت، حسرت‌کشیده و محنت‌دیده‌ای است که در طول نسل‌ها و قرن‌ها، ناکامی‌ها و نامرادی‌هایش فزون‌تر از کامیابی‌ها بوده است.

اگر همه بایاتی‌ها جمع شوند و از دید جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند، تاریخ مدونی می‌شود که مجموعه‌ای از شیوه زندگی، هستی‌شناسی و باورهای فلسفی، اخلاقی و اجتماعی و دینی این قوم در آن منعکس خواهد شد. این نوع سخن در واقع عالی‌ترین نوع سخن شعر سرزمین آذربایجان است و در فرهنگ

## معرفی کتاب «زنگان بایاتی لاری» ❖ ۱۶۵

شفاهی این مردم به دلیل گستردگی و مضمون‌های گوناگون، ایجاز در کلام و قالب‌های دلنشین، بایاتی‌ها رتبه‌ای والا دارند و تاریخ و گذشته پرافتخار و باشکوه این سرزمین را می‌توان در لابه‌لای هزاران بایاتی گنجانده‌شده در گفت‌وگوی این مردم مشاهده کرد. تنوع و رنگانگی مضمون، یکی از جنبه‌های برجسته بایاتی‌هاست. از میان انواع قالب‌های گوناگون ادبیات منظوم عامیانه، نوع بایاتی به لحاظ احاطه و بیان لطیف مسائل و حقایق مختلف زندگی خلق، متمایز است.

در میان بایاتی‌هایی که مضمون غنایی دارند، بایاتی‌های عاشقانه جای وسیعی به خود اختصاص می‌دهند. عشقی که در بایاتی‌ها جان می‌گیرد و بارور می‌شود، عشق موهوم آسمانی و افسانه‌ای نیست، عشقی است قابل‌لمس که از راز بقای حیات سرچشمه می‌گیرد و با احساس جمال‌پرستی انسان آبیاری می‌شود و آنگاه دل حساس و نقش‌پذیر سراینده را به ستایش جمال و زیبایی مبدل می‌کند.

خصلت آهنگ‌دار و موزون بایاتی‌ها این امکان را می‌دهد که خلق قسمت عمده ترانه‌ها و نغمات عامیانه را از میان بایاتی‌ها برگزینند یا ترانه‌ها و نغمه‌های جدید را در شکل و قالب بایاتی پیروانند. از این نظر بایاتی‌ها راه بسیار نزدیکی با موسیقی فولکلوریک پیدا می‌کنند.

موضوعات ادبیات فولکلور، موضوعاتی واقعی هستند و با اوضاع روزگار مطابقت دارند. این موضوعات برای تمامی اعصار، تداعی‌کننده قابلیت‌های ویژه نوعی زندگی هستند، حتی برخی از بخش‌های ادبیات فولکلور می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای به‌دست آوردن تاریخ، مورد استفاده قرار گیرند. جایگاه ادبیات فولکلور به‌عنوان سند تاریخی و تقریر وجدان ملی جوامع بشری شایان توجه است. بنابراین باید ادبیات فولکلور را گردآوری کرد و آموخت، چراکه این ادبیات آئینه واقعی زندگی انسان‌هاست.

در فرهنگ شفاهی مردم زنجان، بایاتی‌ها به دلیل گستردگی و مضمون‌های رنگارنگ، ایجاز در کلام و قالب‌های زیبا و دلنشین خود مقام اول را دارند. مبالغه نخواهد بود اگر گفته شود که تاریخ پرتلاطم و سرشار از حوادث مردم این دیار در لابه‌لای هزاران بایاتی گنجانده شده است.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی